

شرق روزنامه

یادداشت

تشدید بحران در ترکیه اجتناب‌ناپذیر است



اردشیر ز اریقنواتی

تحولات ترکیه در ابعاد سیاسی و امنیتی از چارچوب یک جامعه باثبات و در مسیر نظام دموکراتیک به صورت عینی و ذهنی خارج شده و هم‌اکنون وارد یک دوران گذار «آتارشیک» شده است. این آتارشی از آنجا که تابعی از دوگانه یک انتخاب فوقانی در هرم قدرت برای تغییرات سریع از نظام سکولار فعلی به سمت بازگشت به مدل جدیدی از اسلام‌گرایی ناسیونالیستی در قالب بازسازی امپراتوری عثمانی و همچنین نقش دولت به رهبری «رجب طیب اردوغان» در سرکوب سیستماتیک اقلیت‌های قومی، رسانه‌های منتقد، سیاست تهاجمی و حذفی نسبت به احزاب منتقد، تقویت گرایش نئولیبرالی در پیوند با بورژوازی نوکیسه آناتولی و دخالت مخرب در حوزه پیرامونی است، هم‌زمان در عرصه داخلی و خارجی خود را به نمایش می‌گذارد. در کنار این آتارشی در بطن ساختار موجود، ترکیه با یک پدیده جدید در چارچوب «کیش شخصیت» رئیس‌جمهور اردوغان هم روبه‌رو است که دامنه تضادهای درونی و بیرونی را به سطح یک بحران فراگیر ارتقا می‌دهد. به همین دلیل تقارن همین کیش شخصیت و موقعیت آتارشیک که روابط تنگناکی با هم داشته و تأثیرات متقابل آن مانع اصلی در رسیدن به مصالحه ملی و تنش‌زدایی در عرصه منطقه‌ای می‌شود، حداقل در کوتاه‌مدت هیچ چشم‌اندازی برای برون‌رفت از وضعیت موجود را از خود بروز نخواهد داد.

وقایع و حوادث جاری در طی یک‌سال اخیر در ترکیه، همگی حلقه‌های یک زنجیر هستند که هیچ‌کدام خارج از قاعده بازی کلی در عرصه تحولات این کشور نبوده و تحلیل صدافی هرکدام به همین دلیل به صورت مجرد و انتزاعی می‌تواند گمراه‌کننده تلقی شود. در چارچوب پذیرش این واقعیت در حوزه تحلیل وقایع و رخ داده‌های ترکیه، ابتدا به وضعیت تشدید و تضادم دوقطبی‌های موجود حول «سکولاریسم-اسلام‌گرایی» و «ترک-کرد» باید توجه کرد که توسط حزب حاکم «عدالت و توسعه» با هدف تحقق ایده نوعثمائی اردوغان دنبال می‌شود.

در این‌فاز از تحولات سیاسی – اجتماعی، دولت حاکم با طرح بازنگری قانون اساسی کشور و تغییر نظام پارلمانی به نظام ریاستی، یک سرکوب سیستماتیک را علیه جامعه مدنی، نهادهای حزبی، سندیکاهای کارگری، رسانه و مطبوعات منتقد، حقوق زنان و به‌طورکلی پلورالیسم نسبی جامعه ترکیه به راه انداخته است که بنا بر گزارش نهادهای ناظر بین‌المللی هم‌اکنون این کشور را به یکی از بزرگ‌ترین زندان‌های روزنامه‌نگاران و مخالفان سیاسی تبدیل کرده است.

هجوم نظام‌مند ارکان دولت حاکم در هر سه قوه اجرائی، مقننه و قضائی ترکیه به حقوق شهروندی و حذف یا نادیده‌گرفتن برخی قوانین موجود در قانون اساسی کنونی کشور، تا آنجایی که به‌تازگی همسر اردوغان از همسرهای سلاطین عثمانی به نیکی یاد می‌کند یا «اسماعیل قهرمان»، رئیس مجلس این کشور، در روز دوشنبه ۲۵ آوریل به‌صراحت از تدوین یک قانون اساسی بر محور شریعت دفاع می‌کند، هرچند بعداً توسط «احمد داوداوغلو» تکذیب می‌شود، اما نشان‌دهنده مسیری است که هم‌اکنون در نظام حاکم پیموده می‌شود. در عرصه دوقطبی ترک و کرد هم دیگر کار از برخوردهای سیاسی به مرحله جنگ داخلی و سرکوب دهشتناکی رسیده است که هم‌اینک چندین‌ماه می‌شود که جنوب و جنوب‌شرقی این کشور زیر بمباران و هجوم تانک‌های ارتش بوده و بسیاری از شهرهای این مناطق کُردنشین در حالت حکومت‌نظمی و قتل‌عام غیرنظامیان قرار دارند. این وضعیت به‌نوبه خود موجبات بی‌ثبات‌سازی کشور را فراهم کرده است و در ماه‌های اخیر چندین عملیات ترورستی در شهرهای آنکارا، استانبول، دیاربکر، سوروج و همین آخری در «غازی انتپ» رخ داده است. از یک طرف جنگ با حزب کارگران کردستان ترکیه (پ‌ک‌ک) به‌شدت در جریان است و از طرف دیگر خیابان‌های شهرهای ترکیه به جولانگاه اقدامات تروریستی «داعش» تبدیل شده که در خدمت اهداف امنیتی‌کردن جامعه، توسط اردوغان به کار گرفته می‌شود.

در چنین شرایطی وقتی در روز دوشنبه دوم ماه می هم‌زمان با برگزاری جلسه پارلمانی حول لغو مصونیت پارلمانی نمایندگان که به طور مشخص نمایندگان حامی اپوزیسیون «دموکراتیک خلق‌ها» را نشان‌ده رفته است، نمایندگان حزب اردوغان با نمایندگان کرد کتک‌کاری می‌کنند، چندان نباید تعجب کرد. قبل از آن نیز در چهارشنبه‌شب ۲۷ آوریل در جریان بررسی طرح مشترک «قانون مهاجرت» بین آنکارا و اتحادیه اروپایی، همین صحنه درگیری به وقوع پیوسته بود و نمایندگان عضو حزب دموکراتیک خلق‌ها به‌شدت مورد ضرب‌وشتم نمایندگان حزب حاکم و ملی‌گرایان قرار گرفته بودند. رئیس‌جمهوری که هم‌اکنون سرباز شکایت‌های وی علیه روزنامه‌نگاران و طنزپردازان آلمانی، هلندی و «دیر سوزن»، کاریکاتوریست ترک‌تبار، در ژنو به سرخط خبرهای بین‌المللی تبدیل شده است، بالطبع منطقی است که مخالفان داخلی خود را برناتافته و سیاست حذف آنان را دنبال کند.

اردوغان به‌عنوان یک بازیگر قهار در نقش منفی با دست‌گذاشتن بر نقاط ضعف متحدان اروپایی خود به دلیل معامله حول پناه‌جویان و همچنین سازش با کارت داعش و نیاز واشنگتن به همکاری وی در این زمینه توانسته است سکوت غرب را در رقبال نقض حقوق بشر در داخل و دخالت‌های مخرب در خارج را برای خود بیمه کند. به همین دلیل با چیدن تمام قطعات این پازل به‌هم‌ریخته می‌توان با قاطعیت گفت که ترکیه به رهبری اردوغان در مسیر اشتباه تاریخ قرار گرفته و هم‌اینک در عرصه داخلی و خارجی نیز هیچ alternativesی برای کنترل وی وجود نخواهد داشت. تجمیع این شرایط و درهم‌تیدگی تمامی این عوامل مخرب در سناریوی پاشای جدید عثمانی، چشم‌انداز خوبی را برای جامعه ترکیه و ثبات منطقه خاورمیانه نوید نمی‌دهد و در آینده چنانچه ترمز این ماشین جنگی کشیده نشود، باید در انتظار روزهای تاریک‌تری در هر دو حوزه داخلی و منطقه‌ای بود.

نگاه

انزواطلبی ترامپ

«دونالد ترامپ»، کاندیدای دست‌راستی انتخابات آمریکا، می‌گوید کشورهایی که آمریکا از آنها دفاع می‌کند باید مخارج این عملیات را بپردازند. در غیر این‌صورت آمریکا باید آماده باشد تا بگذارد آنها خودشان از خود دفاع کنند. او در سخنرانی مفصل هفته گذشته خود، بر ارجحیت مطلق منافع آمریکا به‌عنوان راهنمای سمت‌گیری سیاست خارجی این کشور تأکید فراوان کرد.

ترامپ حتی تهدید کرد که اگر متحدان آمریکا در ناتو سهم خود را در تأمین مخارج این سازمان نپردازند آمریکا ممکن است از ناتو خارج شود. او لحن ملایمی نسبت به «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، اتخاذ کرد و گفت که مایل است با چین روابط متعادلی داشته باشد.

همچنین در سخنرانی دوشنبه گذشته که در دفتر نشریه «نشنال‌اینترست» برگزار شد، دونالد ترامپ، محبوب‌ترین کاندیدای حاضر در اردوی جمهوری‌خواهان آمریکا، کوشش فراوانی کرد تا پیشنهادش برای سیاست خارجی آمریکا هماهنگی و تعادل لازم را داشته باشند. این مواضع که او را در جبهه انزواطلبان جدید آمریکا در عرصه بین‌المللی قرار می‌دهد، با شعار «آمریکا اول از همه» تزئین شده است؛ شعاری که همه را به یاد هواداران سیاست انزواطلبی آمریکا

در سال‌های دهه ۱۹۳۰ می‌اندازد که می‌خواستند در جریان جنگ جهانی دوم، آمریکا خود را کنار نگاه دارد.

ترامپ در این سخنرانی خواهان برگزاری دو همایش با متحدان اروپایی و آسیایی آمریکا شد؛ دو نشستی که هدفش ایجاد تعادل مجدد در قبول تعهدات مالی و تقسیم عادلانه آن میان اعضاست. او البته اضافه کرد که مایل است ساختار و اهداف ناتو را مورد تجدیدنظر قرار دهد. دربارۀ ژاپن و کره‌جنوبی نیز، ترامپ خواهان تهیه مقررات امنیتی جدیدی شد.

ترامپ تأکید کرد که متحدان ما سهم خود را نمی‌پردازند. ما تاکنون هزارها میلیارد دلار خرج هواپیما، موشک، کشتی و ل‌سوازم ضروری کرده‌ایم و با سرمایه‌گذاری در ارتش آمریکا خود را آماده کرده‌ایم تا بتوانیم از اروپا و آسیا دفاع کنیم.

دونالد ترامپ درباره کاندیداهای رقیب خود گفت: «برخلاف دیگر کاندیداهـا، جنگ و تعرض اولین واکنش من نیست». او اضافه کرد که یک ابرقدرت باید بداند که احتیاط و خویشتن‌داری نشانه‌های اقتدارند.

ترامپ در پایان به جهان اسلام هم اشاره کرد و گفت که باید از نزدیک با متحدان خود در کشورهای اسلامی همکاری کنیم تا گسترش اسلام را دریکال ناممکن کنیم. او البته اضافه کرد که آمریکا نمی‌تواند بلافاصله مهاجران مسلمان را به کشور راه دهد.

کاندیدای نزدیک به اردوی جمهوری‌خواهان در این سخنرانی همچنین تصمیم آمریکا برای اشغال عراق را محکوم و به پدیده «ملت‌سازی» و توزیع دموکراسی در خاورمیانه از طریق لشکرکشی انتقاد کرد. ترامپ در طول دوران تبلیغات انتخاباتی خود بارها چین را متهم کرده است که با سازش با ارزش پول ملی خود به رقابت‌پذیری صادرات خود در بازار جهانی یاری رسانده و بارها ادعا کرده که چین تجارت ایالات متحده را کشته است. این سخنان تند میلیاردر نیویورکی احتمالاً مانند دیگر موضوعات او به مذاق هوادارانش خوشایند خواهد بود؛ هوادارانی که آرای آنها تاکنون او را برخلاف میل بخش اعظم تشکیلات حزب جمهوری‌خواه، در جایگاه پیشستاز رقابت‌های این حزب نشانده است.



«ریچارد کرینتر» روزنامه‌نگار نشریه «نیشن»، در گفت‌وگو با «شرق»:

منازعه‌ای شدید میان کلینتون و ترامپ در راه است

را همان قدر فراموش کرده‌اند که چگونگی رفتار نامناسب بیل کلینتون در دوران زمامداری‌اش در کاخ سفید را از یاد برده‌اند.

ک نقاط قوت و ضعف کارزار انتخاباتی هیلاری کلینتون در مقایسه با کارزارهای سندرز و ترامپ، از نظر شما کدامند؟

هیلاری کلینتون در این مرحله، نامزد پیش‌فرض برای ریاست‌جمهوری است. اگر شما از شکاف رو به گسترش میان فقیر و غنی ناراضی باشید، آن‌گونه که ما نیز هستیم و اگر یک دموکرات باشید، به هیلاری کلینتون رأی خواهید داد. او دارای قدرت مقاومت بالایی در مقابل تغییرات است. در اساس یک چائنشین محبوب برای رئیس‌جمهوری کنونی محسوب می‌شود. البته این واقعاً باورنکردنی است که می‌بینیم چگونه چالشی جدی از سوی برنی سندرز در مقابل نامزدی او ایجاد شده است. اگر شما یک سال پیش به من می‌گفتید برنی با هیلاری وارد رقابت جدی خواهد شد آن‌گونه که تا اواخر ماه مارس گذشته شد، من فکر می‌کردم شما دیوانه شده‌اید. باین‌حال، آمریکایی‌ها تمایل پیدا کرده‌اند با رأی‌شان دست به ریسک‌های بزرگی بزنند. تقریباً در کشوری به بزرگی آمریکا تنها راه برای آنکه فردی به عنوان نامزد جدی برای ریاست‌جمهوری شناخته شود، آن است که نام شناخته‌شده‌ای داشته باشد، یعنی آنکه مردم حتی پیش از آغاز به کار کارزار انتخاباتی، او را به‌رسمیت بشناسند. هیلاری کلینتون در مقایسه با هر سیاستمدار در آمریکا شناخته‌شده‌تر است و همین موضوع دلیل اصلی‌ای است که دست او را در پیروزی بر دیگر نامزدها بازتر می‌گذارد. اما دونالد ترامپ نیز این ویژگی را دارد. به نظر من تنها دلیلی که سبب می‌شود تا او نامزد جمهوری‌خواهان شود، این است که همگان او را می‌شناسند. همه ترامپ را در برنامه‌های تلویزیونی دیده‌اند. اکثریت مردم در آمریکا آن قدر مشغله کاری دارند که وقت نمی‌کنند درباره سیاست‌مداران چیزی بخوانند و اغلب به کسی رأی می‌دهند که درباره‌اش شنیده باشند یا آنکه با دیگران درباره‌اش حرف زده باشند. هیلاری کلینتون در برابر دونالد ترامپ، منازعه‌ای خونین و پر دامنه میان دو سلبریتی شناخته‌شده برای اکثر آمریکایی‌ها خواهد بود؛ میان دو چهره کشوری که مخالفان و موافقان زیادی دارند. ترامپ نام بلندآوازه‌ای دارد حتی اگر شما

هیلاری می‌داند جنگ در عرصه سیاسی چیست، مانند بیل در دوران ریاست‌جمهوری‌اش. هیلاری با اکثر رهبران سیاسی پشت میز مذاکره نشسته است. زمانی که وزیر خارجه بود تجربیات مفیدی را کسب کرد. هیلاری کلینتون آمادگی لازم را برای رابزینی با رهبران جمهوری‌خواه دارد درمقابل، او آمادگی نبرد تمام‌عیار علیه آنان را در صورتی که حاضر به همکاری با دولتش نشوند را خواهد داشت

از آنچه او می‌گوید، من‌رجز باشید. واقعیت آن است که برای تماشاچیان سرگرم‌کننده است. نادیده‌گرفتن ترامپ برای رسانه‌ها ناممکن است و این موضوع به از زمان لازم برای تبلیغات را می‌دهد این درواقع، تبلیغات رایگان برای اوست. من در ژانویه گذشته با زنانی در ایالت «ایووا» صحبت کردم که می‌گفتند از ترامپ حمایت می‌کنند، چراکه از رقتن به شعب رستوران‌های مک دونالد و دیدن اینکه کارکنان آنجا فقط اسپانیایی و نه انگلیسی صحبت می‌کنند، خسته شده‌اند. این زنان احساس می‌کنند کشورشان از آنان گرفته شده است. دونالد ترامپ وعده داده این کشور را به آنان باز خواهد گرداند و آمریکا را بار دیگر به کشوری بزرگ تبدیل خواهد کرد. بسیاری فکر می‌کنند برابری طلبی بیشتر در آمریکا تهدیدی برای موجودیت آنان خواهد بود. آنها از ترامپ حمایت می‌کنند اما فکر نمی‌کنم پیروز شوند. اکثریت تازه‌ای پدیده آمده است. هیلاری کلینتون شاید به سبب اشتباهات وحشتناکی که انجام داده، نامزدی ضعیف به نظر برسد. شاید او در جریان کارزار انتخاباتی با حتی دوران ریاست‌جمهوری‌اش نیز کارهای اشتباهی را مرتکب شود. باین‌حال، من فکر نمی‌کنم ما شاهد سکان‌داری کاخ سفید توسط یک نامزد جمهوری‌خواه باشیم.

نظراتان درباره میزان تأثیرگذاری برخی از مسائل ازجمله ایمیل‌های فاش‌شده، گرفتن پول از شرکت‌ها و دولت‌های غریب، قضیه خانم عابدین، مشاور کلینتون و طرح اتهام ارتباط او با اخوان المسلمین و مهم‌تر از همه، ماجرای بنغازی، بر کارزار هیلاری کلینتون چیست؟

من اکثر مواردی که برشمردید را مسائلی بی‌هوده و بی‌معنی می‌دانم. موضوع ایمیل یک مشکل است فقط بدان‌خاطر که نشان می‌دهد چگونه حکومت قانون برای افراد قدرتمند در آمریکا با حکومت قانون برای افراد عادی تفاوت دارد. درباره قضیه بنغازی و ترازدای‌که در روی داد، باید بگویم قطعاً یک کابوس بوده است. به طور معمول این‌گونه تصور می‌شود نامزدی که این همه نقطه ضعف دارد فرصتی برای ریاست‌جمهوری نخواهد داشت اما باید بدانیم امسال یک سال معمولی نیست. اکنون جمهوری‌خواهان شدیداً دچار چنددستگی و تفرقه شده‌اند و من فکر می‌کنم هیلاری کلینتون پیروز نهایی عرصه انتخابات خواهد بود.

ک برخی بر این باورند نظرات ترامپ درباره زنان تأثیر بدی بر رقابت او

نوژن اعضداالسلطنه: ماهیتا محافظه‌کار، احتمالاً حاضر به مصالحه با کنگره بر سر مسائل رفاهی و اجتماعی و مانند همسرش دارای قابلیت تشخیص جهت وزش باد. با وجود همه این صفات نه‌چندان مثبت، باور دارد شرایط کنونی رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ عادی نیست و چنددستگی در میان جمهوری‌خواهان به هیلاری کلینتون کمک می‌کند پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا باشد. این بخشی از نظرات «ریچارد کرینتر»، ویراستار و کارشناس مسائل سیاسی ملی آمریکاست که در گفت‌وگو با «شرق»، درباره حضور کلینتون در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ مطرح کرد. او که ستون ثابتی در نشریه چپ‌گرای «نیشن»، مستمرترین هفته‌نامه پیشرو آمریکایی دارد، در ویرایش و تنظیم کتاب «هیلاری کلینتون کیست؟ دو دهه پاسخ از سوی چپ» نیز نقش داشته است.

ک نظرتان درباره تأثیر میراث بیل کلینتون بر کارزار انتخاباتی هیلاری کلینتون برای پیروزی در انتخابات چیست؟ آیا سایه بیل کلینتون بر سر هیلاری و مبارزات انتخاباتی اوست؟

هیلاری کلینتون از میراث بیل کلینتون مانند بسیاری از جنبه‌های دیگر فعالیت سیاسی او به‌راحتی بهره می‌برد. زمانی که بیل کاری را انجام داده که هیلاری فکر می‌کند رأی‌دهندگان آن را می‌پذیرند، روی نقش‌اش در زمان ریاست‌جمهوری همسرش تأکید می‌کند. برای مثال، زمانی که برنی سندرز او را به سودرسانی به شرکت‌های بزرگ متهم کرد، هیلاری یادآور شد در سال ۱۹۹۳ میلادی خواستار پاسخ‌گویی شرکت‌های بیمه درمانی شده بود؛ تلاشی که ناموفق باقی ماند؛ فارغ از این واقعیت که شواهد نشان می‌دهند او واقعاً چنین کاری را انجام نداده است. کلینتون‌ها با احتیاط زیاد مراقب بودند پیش از ارائه طرح‌های جدیدشان، حمایت شرکت بیمه را نیز بتوانند کسب کنند در سوی دیگر، زمانی که سندرز، هیلاری را به حمایت از اقدامات سخت‌گیرانه کفیری و جزایی با عنوان قانون «اصلاحات رفاهی» متهم کرد که شهروندان عادی به‌ویژه آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار و زنان را قربانی می‌کند، هیلاری دوست داشت وانمود کند شوهرش این قانون را امضا کرده و او نقشی در آن نداشته است. به طور مشابه، هیلاری مدعی شد او به آن طرح در دوران حضورش در سنا رأی منفی داده است. این ممکن است درست باشد باین‌حال، پیش از حضورش در سنا با وجود آنکه همسرش رئیس‌جمهور بود، هیلاری به‌شدت از پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی حمایت می‌کرد؛ پیمانی که امید میلیون‌ها فعال کسب‌وکار در آمریکا را نابود کرد؛ افرادی که اکنون از دونالد ترامپ حمایت می‌کنند و همچنین زمانی که سمت وزیر امور خارجه را برعهده داشت، از پیمان مشارکت ترانس‌پاسفیک حمایت کرد. باید گفت هیلاری از بیل برای رسیدن به مقاصد خود استفاده می‌کند زمانی که به نفع اوست، از میراثش بهره می‌برد و زمانی که به ضرر اوست، از آن فاصله می‌گیرد.

ک چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان هیلاری و بیل کلینتون وجود دارد؟ واقعاً تفاوت عمده‌های میان سیاست‌های آنان یا تعلق خاطرشان به جناح‌های درونی حزب دموکرات وجود ندارد. در سال ۱۹۹۲ میلادی بیل کلینتون به رأی‌دهندگان آمریکایی گفت اگر آنان به او رأی دهند در آن واحد، دو رئیس‌جمهوری با یک قیمت خواهند داشت. کلینتون‌ها همواره از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر بوده‌اند. آنان هیچ‌گاه خود را به عنوان افراد یا جناح‌هایی متفاوت در درون حزب نشان نداده‌اند، بلکه گروهی منسجم از مشاوران و همکاران را در کارزار دارند که اساساً تبدیل به یک ماشین سیاسی واحد یا یک خانواده شده‌اند که حسی از پدرخواندگی خانواده کلینتون بر آنان حاکم است. آنچه ممکن است تفاوت عمده میان کارزار امروز هیلاری و کارزار انتخاباتی سال ۱۹۹۲ بیل کلینتون به نظر برسد، تفاوت در تأکید روی موضوعاتی مانند قانون اصلاحات کفیری، مسائل نژادی، اقتصادی، نابرابری و... است که آن هم به دلیل تفاوت‌های ایجادشده در شرایط سیاست ملی و داخلی آمریکاست. کلینتون‌ها سیاستمدارانی ماهر هستند که همواره جهت وزش باد را تشخیص می‌دهند و سپس یادبان‌های خود را بر این اساس تنظیم می‌کنند. بیل کلینتون پس از ۱۲ سال ریاست‌جمهوری جمهوری‌خواهان، سکان این مقام را در دست گرفت. بیل کلینتون تلاش کرد تا به یک دوره طولانی از حاکمیت جمهوری‌خواهان پایان دهد. او چگونه می‌توانست این کار را انجام دهد. بایستی راست‌گرات می‌شد و چهره‌ای محافظه‌کارتر از خود به رأی‌دهندگان نشان می‌داد. اما اکنون وضعیت چگونه است؟ هیلاری کلینتون پس از هشت سال ریاست‌جمهوری «باراک اوباما» در کاخ سفید، وارد رقابت‌های انتخاباتی شده است؛ اوبامایی که دموکرات‌ها بر این باورند که می‌توانست کار بیشتری برای ایستادگی در برابر منافع تثبیت‌شده شرکت‌های بزرگ انجام دهد (و این دقیقاً دلیل اصلی ظهور برنی سندرز است). درنتیجه هیلاری کلینتون اینک چپ‌گرات شده است؛ دست‌کم در درون حزب دموکرات. درنتیجه، او که خاستگاه اصلی‌اش در جناح میانه حزب دموکرات است و حتی با محافظه‌کاران نیز قرابت بیشتری دارد، اکنون این موضوع را برجسته نمی‌کند. مردم آمریکا نیاز تعلقات سیاسی گذشته کلینتون